

رد پای همجنسگرایی در تاریخ ایران

عده ای از افراد با خلوص و صداقت اما همراه با محدود بینی و عدم عمقی اندیشی ادعا می کنند که در دوران گذشته تاریخ ایران از جمله در تاریخ باستان همجنسگرایی وجود نداشته و همجنسگرایی در نتیجه معاشرت و نزدیکی تمدن ایران با تمدنهای دیگر از جمله تمدن یونانی به ایران راه یافته است. مدعیان چنین نظری به این اکتفا نکرده و از این " تئوری " خود این نتیجه را می گیرند که چون پدیده همجنسگرایی " ایرانی الاصل " نیست پس فرهنگ ایران نمی تواند با همجنسگرایی آشتی کند و آن را بپذیرد. و همجنسگرایان ایران بی خودی آب در هاون می کوبند.

اما دوستان مدعی چنین نظری چندین موضوع عمده را به عمد یا غیر عمد فراموش می کنند. یکی اینکه همجنسگرایی مسری نیست که در نتیجه معاشرت و نزدیکی اقوام و تمدنها و افراد از یکی به دیگری منتقل شود. گرایش جنسی انسان ذاتی است که در نتیجه عوامل متعدد و پیچیده شکل می گیرد و ما در شماره های مختلف قبلی ماها به این مسئله پرداخته ایم. انسان ممکن است در نتیجه محدود بودن اطلاعات و دانش خود، شناختی از گرایش خود نداشته باشد یا در نتیجه نرم های اجتماعی آن را سرکوب کند و هویت جنسی مقبول عامه را برای خود برگزیند اما امکان عوض کردن گرایش درونی خود را ندارد. این گفته را ما از سر خود نمی گوئیم. علم سکسولوژی این را می گوید. تاریخ شناسان و محققانی که در باره تاریخ همجنسگرایی در جوامع قدیمی و در باره قدمت تاریخی وجود این پدیده دست به تحقیقات وسیع زده اند (متأسفانه اینگونه کتابها نه به فارسی ترجمه شده اند و نه امکان چاپ دارند) بر این باورند که همجنسگرایی و گرایش جنسی و عاطفی به همجنس در همه جوامع انسانی و در طول تاریخ بشر وجود داشته است. ما هم همین که جوامع انسانی با وجود این پدیده در ادوار مختلف و بنا بر فرهنگ و شرایط زیستی خود برخوردهای متفاوتی داشته اند.

موضوع دیگری که مدعیان نبود همجنسگرایی در تاریخ باستان فراموش می کنند این است که گفته های خود را مستند بیان نمی کنند. به بیان دیگر اصلاً کدام تاریخ شناس و جامعه شناس ایرانی بوده که با حوصله به ورق زدن تاریخ در جهت کشف رد پای همجنسگرایی در تاریخ قدیم ایران دست زده است و بعداً به این نتیجه رسیده که همجنسگرایی اصلاً در تاریخ باستان ما وجود نداشته است؟ فراموش نکنیم که همین یک دهه پیش بود که عده ای می گفتند در ایران اصلاً همجنسگرایی وجود ندارد و همین حالا هم هستند کسانی که همجنسگرایی را یک پدیده غربی می دانند بدون آنکه تاریخ مبارزات همجنسگرایان غربی و شکل گیری فرهنگ همجنسگرایی و مسیری که جوامع غربی در آشنایی با این پدیده و پذیرش همجنسگرایی طی کرده اند را بدرستی خوانده باشند.

سومین مسئله این است که گیریم همجنسگرایی در نتیجه روابط و داد و ستد فرهنگی تمدن ایران با تمدنهای دیگر وارد کشور ما شده است اما آیا این دلیل قانع کننده ای است که بتوان با استناد به آن به نفی حقوق همجنسگرایان امروز ایران دست زد؟ ما در تاریخ خود روی تخت خوابیدن، روی میز غذا خوردن، کت و شلوار پوشیدن، حقوق زنان، دمکراسی و خیلی چیزهای دیگر نداشته ایم. امروز بخشی از اینها وارد زندگی ما شده اند و برای بدست آوردن بخشی دیگر چه جانفشانی ها که نمی شود. یادمان نرود که متعصبان، جاهلان و دیکتاتورها هم با استناد به اینکه دمکراسی، آزادی زنان و حقوق بشر غربی است، به تخطئه مبارزات و تلاشهای آزادیخواهان می پردازند.

موضوع دیگری که شاید بد نباشد به آن اشاره کنیم این است که بعضی ها معتقدند که همجنسگرایی کلاً در فرهنگ های غنی که به سطح بالایی از تکامل خود رسیده اند، رشد می کند و در فرهنگ های جوان که قصد گسترش به مناطق دیگر را دارند کمتر امکان رشد می یابد. البته در مورد صحت چنین ادعایی شک و تردیدهای فراوانی وجود دارد. و این را فقط جهت اطلاع خوانندگان آورديم.

با استناد به تحقیقات محققین خارجی همجنسگرایان و همجنسگرایی در همه ادوار تاریخ و در همه جوامع بوده است و ایران نمی تواند از این قاعده کلی مستثنی باشد. اما با توجه به فرهنگ و شکل زندگی پیشینیان صد البته همجنسگرایی هیچوقت جدی گرفته نشده و در نتیجه پرداختن به آن در نوشته ها و لوح های تاریخی تقدم نداشته است. با اینهمه وجود تعداد زیادی اصطلاحات از جمله بغا، حیز یا (هیز)، کنده، کنگ، مآبون، مواجر، شاهد باز، نوخط، جمال پرست، امرد باز، نظر باز، لوطی، مخنث و... در متون قدیمی ایرانی همه دال بر این دارند که بهر حال چنین روابطی در بین ایرانیان وجود داشته و با توجه به شکل زندگی آن دوران، سطح اطلاعات و دانش و ابزار زندگی و غیره در گذشته های دور نباید توقع داشت که اصطلاحات و واژه های معمول و مرسوم امروزی را بکار برده باشند. نقش مذاهب ایرانی و بعدها ورود یک مذهب خارجی (اسلام) و ضدیت همه اینها با همجنسگرایی را هم نباید از نظر بدور داشت.

روبرت سوربو

(Robert Surieu)

کتابی دارد بنام "سرو ناز - نوشته ای عشقی در باره تم های اروتیکی در ایران قدیم"
Sarve Naz: an essay on love and the representation of erotic themes in ancient iran
که در آن می گوید همجنس گرایی نزد ایرانیان همچون یونانیان، امری غیر عادی و ناخوشایند بشمار نمی
آمد.

در پهلوی یک اصطلاح کلی برای " انحراف جنسی" وجود دارد

Abaron marzishnih

به معنی مرزیدن وارونه و غیر معمول. مرزیدن از اصل اوستایی

Maraz-

می باشد و در اوستا معنی مالیدن می دهد.

در بند ۱۲ از یسنا ۵۱ زرتشت آمده: " در سرمای سخت زمستان زرتشت سوار بر ارابه ای به خانه یکی از
حکمای محلی می رود اما حاکم از دادن سرپناه به زرتشت سرباز می زند و زرتشت او را دشنام داده و

Vaepyo خطاب می کند. (بمعنای غلامبار)

گفته می شود که این قدیمی ترین اشاره به همجنس گرایی در تاریخ ایران است. اما قدر مسلم اینکه زرتشت
این اصطلاح زبانی را همان لحظه کشف نمی کند بلکه مردم آن روزگار و چه بسا نسل های قبل از آنها
پدیده "غلام باره گی" را می شناخته اند که اصطلاحی هم برای آن ساخته اند و خود حاکمی که زرتشت او را
با این کلمه دشنام می دهد، معنی آن را می دانسته است.

در بند ۱۱ از فردگرد یک آمده که "مردگایی" را اهریمن برای مقابله با اورمزد پدید آورد. در بند ۳۲ از
فردگرد هشت کننده ی کار دیو پرست و دیو خوانده می شود. طبق بندهای ۲۶ و ۲۷ فردگرد ۳۲ مجازات
"فاعل" و "مفعول" که بر خلاف میل خود عمل کرده اند تازیانه خوردن تعیین می شود.

در متون پهلوی بیشتر از اوستا به همجنسگرایی اشاره می شود؛ در " ارداویراز نامه" آمده که در دوزخ
ماری به نشیمن گاه مردی وارد و از دهانش خارج می شد و دلایش را این آورده اند که:

" کون مرز کرد و مرد بر خویشتن هشت"

البته محققان با توجه به نوشته های بعدی در همین رابطه که در باره همین شخص آمده (وارونه زن کسان را
گاد و با چرب زبانی خویش زنان کسان را فریفت و از شوی جدا کرد..) نتیجه می گیرند که منظور این
قسمت مرد همجنسگرا نیست بلکه مردی است که از عقب با زنان عمل سکس انجام می داده است.

در " روایات داراب هرمزدیار" در مورد اهریمن و " همجنس بازی" نیز روایاتی آمده است.

طبق " روایت امید اشوهیشتان" یکی از سئوالات پرسیده شده از " امید اشوهیشتان، موبد بزرگ قرن چهارم
هجری این است: " کسی که خیتودث (ازدواج با محارم) کند و سپس کون مرز (سکس با همجنس) کند،
داوری عمل وی چگونه بود؟" و موبد جواب می دهد: " هر که کون مرز کند مرگ ارزان است اما گر
درمانده زاری و توبه کند آنگاه عفو می شود.

در ادبیات پهلوی در باره همجنسگرایی صحبت به میان آمده، بخصوص در " دادستان دینی" که شامل ۹۲
پرسشی است که از " جوان جم" موبد قرن سوم هجری می شود.

در دین زرتشت با همجنسگرایی مخالفت شده و برای همجنسگرایان مجازات سنگینی از جمله اعدام در نظر
گرفته شده است اما اینطور به نظر می رسد که موبدان و پیروان زرتشت نه بر اعدام این جهانی بلکه بر
عقوبتی که خداوند در آن جهان برایشان در نظر گرفته تاکید بیشتر کرده اند.

بعد از این تاریخ دیگر اشاره به همجنسگرایی در کتابها و ادبیات ایران بوفور دیده می شود از جمله در
"سلوک الملوک"، " مروج الذهب"، " تاریخ الوزرا"، "صاح الفرس"، " دیوان سنائی"، " تاریخ بیهقی"، "
رساله دلگشا"، "کیمیای سعادت"، " مثنوی"، " گلستان" و..... که از آن می گذریم.

در بررسی تاریخی همجنس خواهی یک موضوع بغایت مهمی را نباید فراموش کرد و آن اینکه در ادبیات و
تاریخ نه تنها ایران بلکه ملل دیگر نیز همینطور، بیشتر روابط جنسی یک مرد بالغ با یک نوجوان بدون ریش
و سبیل و بعبارتی بچه بازی (پدوفیلی) نقش و نگار شده و این ربطی به موضوع همجنسگرایی و خواسته
های همجنسگرایان که تنها در این دهه های اخیر مطرح شده اند، اشتباه گرفته شود. همجنسگرایان با بچه
بازی و پدوفیلی کاملاً مخالفند و هر گونه سوء استفاده جنسی و غیر جنسی از کودکان و افراد نابالغ را مردود
می دانند. همجنسگرایی بمعنای عشق و علاقه و احساس و گرایش دو انسان عاقل و بالغی است که بنا به نیاز
و بر اساس اختیار طرفین به هم اغوشی برقراری رابطه با هم رو می آورند.

صحبت ما از روابط جنسی دو همجنس در تاریخ بمعنای تأیید بچه بازی و اشعار و نمادهای مختلف بیانگر آن
در ادبیات و تاریخ گذشته نیست. صحبت این است که در آن زمانها آن سطح از آگاهی و دانش وجود نداشته
که بشریت امروز به آن رسیده. مسئله این است که بگوئیم چنین احساسی وجود داشته گیریم به غلط مورد
استفاده قرار گرفته یا فقط بخش غلط و نادرست آن برای ما باقی مانده.

بله، همجنسگرایی و همجنسگرایان هیچوقت به شکل مدرن امروزی که چندین دهه است در جوامع غربی جا افتاده، در جامعه ما مورد قبول و جا افتاده نبوده است. جوامع غربی هم همینطور بوده اند. اینکه تحول در کشور ما همچون در غرب پیش نرفته باید ریشه آن را در همان جایی جستجو کرد که چرا با اینهمه تاریخ هزاران ساله، هنوز ایران یک کشور جهان سومی است، چرا در حالی که ایران هرگز به معنای کامل کلمه مستعمره نبوده اما حتی به اندازه کشورهای تا همین اواخر مستعمره آفریقایی هم دموکراسی ندارد، چرا با صد سال مبارزه مشروطه خواهی هنوز سانسور و زندانیان سیاسی و ایرانی تبعیدی داریم، چرا با اینهمه پول نفت اینهمه گرسنه در کشور داریم، چرا با اینهمه سطح بالای سواد در بین ایرانیان اما تعداد کسانی که وارد مبارزه برای آزادی و دموکراسی می شوند همیشه به آن اندازه نبوده که کفه ترازو را به نفع ازادخواهان سرزیر کند؟ و... پس دلیل نبود گفتمان مربوط به همجنسگرایی نه عدم وجود همجنسگرایان بلکه به ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رشد نایافته جامعه مربوط می شود و در حرکت برای ساختن یک ایران مدرن طبعاً گفتمانهای تازه باید امکان مطرح شدن را بیابند و تا بتوانند به مصاف سنت ها و نابرابریها بروند.

در پایان ذکر یک مسئله مهم را لازم می دانیم. بعضی از دوستان معتقدند که ما هنوز نتوانسته ایم مسائل و مشکلات ساده تر زندگی از جمله برابری زنان، حق تشکیل سندیکا برای کارگران، آزادی اقلیتهای مذهبی و قومی و... را حل کنیم پس بهتر است که ابتدا به این چیزها برسیم و بعداً همجنسگرایان حقوق خود را مطالبه کنند. چنین رهیافتی به مسئله نقض غرض است. چرا که همه این خواسته ها و همینطور خواسته حقوق و آزادی همجنسگرایان همه در چارچوب آزادی، دموکراسی و حقوق بشر می گنجند و حرکت برای آنها یعنی حرکت و تلاش برای ساختن یک جامعه و کشور مدرن با ساختارها و فرهنگ انسانی و امروزی. نمی توان خواسته های حقوق بشری را درجه بندی کرد و یکی را بر دیگری اولویت داد. اگر قرار است زنی آزادی و برابری حقوق داشته باشد، یا کارگری حق تشکیل اتحادیه یا یک کرد حق سخن گفتن و تحصیل به زبان مادری خود را بیابد، همین زن یا کارگر یا کرد نیاز جنسی هم دارد که باز بخشی از حقوق بشر او محسوب می شود. و چه بسا همین زن یا کارگر یا کرد همجنسگرا هم باشد. از آن گذشته سرکوب جنسی تاثیرات خیلی مخرب تری بر روح و روان انسان دارد تا محروم بودن از داشتن سندیکا یا صحبت بزبان مادری.

همجنسگرایان قشر و گروه و تافته جدا بافته ای از اقشار مختلف نیستند؛ بهرحال ما در بین مردم، بخشی از همین مردم و در همه جا هستیم. بعضی از همجنسگرایان کارگرند، زنان خانه دارند، پزشک اند، دانشجو اند، اقلیت قومی، مذهبی اند، سربازند، مغازه دارند، کارمندان، رفتگر خیابان اند، سهامدارند و....

مطالبه حقوق همجنسگرایان جزئی از مطالبات عقب افتاده اقشار مختلف همین ملت است و در طرح مطالبات باید از حضور همه اقشار و خواسته ها دفاع شود تا نیروی تحول خواهی بسط و گسترش یافته، قوام یابد و طرحی نو دراندازد.

در شماره بعدی ماها به همجنسگرایی زنان در تاریخ ایران خواهیم پرداخت. از دوستانی که اطلاعاتی در این باره دارند تقاضا می کنیم برای هر چه کامل تر کردن مطلب شماره بعد با ما تماس بگیرند.